

حرم یعنی در آن کینه نیست و غیبت نیست که در میان یاران
 غیبت سیم ولدند نصیره حضرت امام انقلین است
 قدس شریف ایند که کینه دهن است با طبع کینه
 کله و کندن ماعد ابد کو یان بهو و بد بود که یکی محمد بن
 بلیدی بزکو ستر دکن دیوبت کیمسی دخی عجب در کینه
 بزم فیه مره سر سر و ایدر کن ملتزم اسحق قبولند
 ابا ایدر دید کلر دخی سامعه کذا و خاطر از اری
 اولمغه آل ابراهیم بخیل اچون بوز مزه متاجا چکوت
 ای ز وجود تو نمود همه جو تو سرایه بود همه
 عقده کش بنده مشکلی قبله نمایند سر مقبلی
 بازوی نماید منرشیکان قبله تو جید یک اندیشگان
 روی عبادت تو دایم پس چشم عنایت ز تو دارم پس
 و میکل درگاه عنایت پناه محول الا حواله لب سر بر آید
 اولمغه بشت بدید بر کون راز دارنده دخی جلیب حضرت
 جسد این مثل غر ترای رسالت پناهی آید و کده

قبله

فانوار

بنو اسرائیل علیهم السلام یا اسرائیل سلطان
 الکبریا خالق الارض و السماء و نیاز مند کن بنی قبله
 بهو ددن صرف ایدوب قبله ابوالانبار ابراهیم
 علیه السلام یونله دیوبت جبرائیل آیدی ای برترین
 بابا خانه جد و سی بر در مانده درگاه کیمس یا یون بر م
 امثال لازمه فرمانده استیفات مرا سم جابر به مز
 و کله اما سر پر درده دایه و تب سر سیزه هر نقش
 شاید مراد که رسم نزد دست طبیعت نکاشته خریطه
 خیال آیده بهر حال نازدی اجابت کامعافق کردن
 قبول اولور و میکل یا خود صاحب الدیانتی اوزره
 نگه دار ناموس دخی قدیم معذ ما جناب جلال احد بنده
 بخیل قبله به دایر تبلیغ و عد کریم ایتمکله مبادی تحسیم
 صلونه که گوشه کمند نیم کبابی طرف آسمانه صاوت
 حب امر و سنج و حی کریمه تطیع ایدر او مشد ایدر
 مره فن حدیث واجله نخله تفسیر بخت اولد کلر